اقسام جمع:

۱.جمع عرفی

ما یک جمع عرفی داریم به معنایی که خود عرف جمع می کند مثل عام و خاص و حکومت و این ها. اصولیین حد واسطی بین جمع ع

۲.جمع مع الشاهد ای استظهار

اما جمع دیگری هم[1]، داریم که که به‌معنای می شود اسم آن جمع آن را عرفيِ گذاشت عام جمع و خاص مع الشاهد[2] است. کما مثلاً این که در در مثال بعضی ثمن جاها العذره گفته از می‌شود روایت دیگری به‌عن

استاد: همانی که من عرض می‌کردم: ظهور و جمع عرفی با **استظهار**[3] و کشاندن عرف به سمت آن چه که ما بعداً فهمیدیم.

شاهد شرعی، شاهد لبّی

درگاش مرحله دیگری از شاید جمع این هست منظور که باشد[4] جمع بدون بعضی شاهد جمع است، ها این یعنی طور بدون است این‌که دلیلی داشته باشیم جمع می‌کنیم، دلیلی ندا

استاد: منظور شما از شاهد، شاهد خارجی شرعی است، یا منظور مطلق شاهد ولو شاهد لبّی باشد؟ قرائن عقلیه و این طور چیزها باشد؟

اگر شاهد به این معنا یعنی قرینه ای که عرف عام می‌پذیرد و وقتی آن قرینه را در منظر عرف عام قرار بدهیم، برای او هم این جمع می‌آید، به‌عنوان یک جمعی که ظنّ ِمورد ِمشی ِعقلاء، به آن تعلّق گرفته است، این جمع هم مقبول است.

چون عقلاء یک سری ظنون اطمینانیه دارند که برای آنها مانند قطع است. اما ظنون دیگری هم دارند که اطمینانی نیست اما طبق آن مشی می‌کنند. دنیای آنها طبق همین ظنون می‌گردد.

۳.جمع تبرّعی

مرحله بعدی[5] این است که این ظن هم نباشد، یعنی همان جمع تبرّعی است

جمع از جیب بیرون آمده است، من درآوردی، یعنی من می‌گویم این به این معنا است و آن به‌معنای دیگر[6].

[1] مرحوم سید محمد کاظم یزدی در حاشیه خود بر رسائل می فرماید: ثم إنّ الجمع بين الدليلين،

قد يكون بحمل الظاهر على النص أو الأظهر مما يساعده فهم العرف ال يحتاج إلى شيء من الخارج،

و قد يكون جمعا بشاهد كما إذا ورد أنّ العاري يصلّي قائما مومياً، و ورد أيضا أنّ العاري يصلّي جالسا فإنّهما بحيث ال يعرف العرف وجه جمع بينهما، لكن لو فرض أنه ورد أيضا أنّ العاري يصلّي قائما مع الأمن من المطلّع و جالسا مع عدم الأمن صار هذا شاهدا للجمع بين الأوّلين بهذا التفصيل و يساعده العرف أيضا. و يمكن إرجاع هذا القسم إلى القسم الأول بملاحظة مجموع الثلاثة،

و قد يكون جمعا بالتأويل و ذلك كما إذا تعارض دليلان بالتباين و كان بحيث لو قطع بصدورهما يحكم العقل بلزوم إرادة ذلك المعنى التأويلي صونا لكلام الحكيم عن التناقض، ثم إنّ ذلك المعنى التأويلي قد يكون متحّدا و قد يكون متعدّدا بعضها أقرب من الباقي أو يكون الكل على السوية في القرب و البعد، إذا عرفت ذلك فنقول: إنّ محل النزاع في القاعدة ما عدا القسمين الأوّلين كما ال يخفى(حاشیه فرائد الأصول ؛ ج3 ؛ ص447)

[2] کلام یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[3] استظهار آن است که روایتی نزد عرف عام بدواً مطلب را نمی‌رساند اما با ضمیمه قرائن خارجی یا داخلی مهمّ بیان شما می‌شود. برای مثال در ابتدای صحبت خود می‌گویید آقایان به من دلبدهید ؛ این چند مقدمه را در ذهن داشته باشید؛ وقتی روایت را می‌خوانید[بخاطرمقدمات بیان شده] همه از این روایت یک مطلب واضح و آشکار را می‌فهمند چون مقدمات شما در ذهنشان هست ؛ این ظهور نیست که همه ابتداءً فوری خودشان بفهمند ولی استظهار است ؛ استظهار یک استنباط معتبر قوی در ادله اجتهادیه می‌باشد.(درس خارج فقه استاد، تاریخ ۲۵/۷/۱۳۹۵)

[4] ادامه کلام یکی از دوستان

[5] ادامه کلام یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[6] مرحوم وحید بهبهانی در رساله الجمع بین الاخبار که سابقاً به آن اشاره شد، جمع را به ۹ قسم تقسیم می کنند:

الأول: الجمع الذي يحصل العلم به بمجرد ملاحظة المتعارضين

الثاني: الذي يحصل العلم به بسبب أمر خارج،

الثالث: الجمع الذي له شاهد ظني يكون حجة،

از امثله ی این قسم، این روایت است: ما رواه الصدوق عن عبد السلام الهروي قال: قلت للرضا عليه السلام: يا بن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم! قد روي عن آبائك فيمن جامع في شهر رمضان أو أفطر فيه: ثلاث كفارات، و روي عنهم أيضا عليهم السلام: كفارة واحدة، فبأي الحديثين نأخذ؟ قال: «بهما جميعا، فمتى جامع حراما أو أفطر على حرام في شهر رمضان فعليه ثلاث كفارات ... إلى أن قال: و ان كان نكح الحال أو أفطر على حلال، فعليه كفارة واحدة»(الرسائل الأصولية، متن، ص:453- 454)

الرابع: من أقسام الجمع ما يكون هناك شاهد لما اقتضاه و ما ثبت منه، لا لنفس الجمع

تفاوت این قسم با قسم سابق در این است که در آنجا امام خود در روایت، به جمع میان دو دسته ادله پرداخته اند و لذاست که ما برای خود جمع، شاهدی از میان ادله و حجج داریم.

اما در این قسم روایت معتبری بدون اشاره به روایات سابقه و جمع میان آن ها، به حمل شائع راهی برای جمع دو دسته دلیل مقابل ما گذاشته است.

مثال این قسم عبارت است از : ما ورد من أن ناسي الجنابة لا يعيد الصلاة، و ورد أيضا أنه يعيد، و ورد أنه يعيد في الوقت دون خارج(الرسائل الأصولية، متن، ص: 460) که با عنایت به روایت اخیر، مشکل تعارض دو روایت سابق حل می شود بدون این که خود امام اشاره ای به آن ها و جمع میان آن ها کرده باشند.

الخامس: الجمع الذي لا يكون له شاهد حجة، و يكون بناء و عملا بمقتضى أحد المتعارضين من دون تصرف فيه و ارجاع للآخر إليه بالتصرف و التأويل.

مثال این قسم : يكون ظاهر أحدهما استحباب فعل، و ظاهر الآخر وجوب ذلك الفعل، فيبنى الأمر على الاستحباب، و يؤول الوجوب بحمله على الاستحباب، أو بالعكس جمعا بين المتعارضين.(الرسائل الأصولية، متن، ص: 462)

السادس: الجمع الذي لا يكون له شاهد حجة، و يكون بناء و عملا بمقتضى الطرفين و ظاهرهما في الجملة، و لا يكون خروجا عن مجموعهما بشيء أصلا، و ذلك مثل التخصيصات و التقييدات و نظائرهما.

السابع:- من أقسام الجمع- الجمع بالتخيير بأن يكون بناؤه عليه، و عملا بمقتضاه، و لا يكون له شاهد حجة.

مثال این قسم: مثل ما ورد من أن من أدرك الوقت- و هو في السفر- و لم يصل حتى دخل بلده يتم الصلاة و ورد- أيضا- أنه يقصر(الرسائل الأصولية، متن، ص: 479)

الثامن:- من أقسام الجمع- هو ما لا يكون له شاهد حجة، و يكون بناؤه عملا بظاهر أحد المتعارضين و خلاف ظاهر الآخر

مثال این قسم: أن كثيرا من الأخبار يدل على أن القبلة لا تنقض الوضوء و كذا مس باطن الدبر و ورد في بعض الأخبار: أنه ينقض الوضوء، و أن من فعل ذلك أعاد الوضوء(الرسائل الأصولية، متن، ص: 480) که در این فرض اخذ به ظاهر روایات اول می شود و روایات دوم به استحباب اعاده تاویل برده می شود.

التاسع:- من أقسام الجمع- ما لا يكون له شاهد حجة، و يكون خروجا عن كل الظاهرين، و عدولا عن المتبادر في كل واحد من المتعارضين،

مثال این قسم: در تعارض دلالت یک دلیل بر وجوب و دیگری بر حرمت، وجوب را به اباحه و حرمت را به کراهت تاویل می بریم.

مرحوم وحید، در رساله ی خود ابتدا و پیش از ذکر اقسام، به طرح اشکالات ۵ گانه در مورد قاعده الجمع مهما امکن می پردازند:

الاولى: ما أشرنا إليه من أن التأويل طرح للدليل.

الثانية: إن التأويل قول بالتخمين، و ما المجوز لفعله؟ مضافا إلى ما ورد عنهم عليهم السلام من النهي عن القول بما لا يعلم

الثالثة: بحسب الفتوى، فإنهكيف يفتى بمقتضى الجمع، مع أنه ورد في الآيات و الأخبار المنع من الفتوى بغير ما ثبت من الشارع، و قد كثر التخويفات البالغة و التهديدات الكاملة على هذا المعنى

الرابعة: بحسب العمل، فإنهكيف يختار مقتضى الجمع؟ و بأي عذر يرتكب العبادات و يعامل المعاملات و ينكح الفروج و يأخذ الأموال و يضرب و يقتل؟ .. إلى غير ذلك.

الخامسة: إنه خلاف ما ظهر من الأخبار التي كادت أن تكون متواترة، و كذا مخالف للاعتبار و مخالف أيضا لطريقة القدماء- بل المتأخرين أيضا- كما أشرنا(الرسائل الأصولية ؛ متن ؛ ص452-453)

و پس از بیان اقسام جمع نه گانه، این اشکالات را در ۷ قسم اول وارد نمی داند، به خلاف دو قسم اخیر که اشکالات را وارد و آن ها را غیر معتبر می داند.

در ادامه مقاله، بسیاری از اشکالات موجود پاسخ داده می شود.

این نکته را هم باید توجه داشت که نگاه وحید به جمع عرفی،اوسع از نگاه جناب شیخ است و مواردی از جمع مع الشاهد را -که در عبارت سید یزدی به آن اشاره شده بود- هم در برمی گیرد.

بازبینی #1
ایجاد شده 8 ژوئن 2025 15:31:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژوئن 2025 15:37:26 توسط ... .